

چهره مسخ شده ایرانیان و تاریخ ایران در کتاب‌های درسی عراق و سوریه

در کتاب‌های درسی عراق و سوریه، چهره ایرانیان مسخ شده است.
ایرانیان دشمنان خود هستند.

است: «ایرانیان از انسان دوستی عرب‌ها سواستفاده کرده و سه تن از خلفای راشدین، یعنی اجناب] عمر بن خطاب، [جناب] عثمان و [حضرت] علی ابن ابی طالب [ع] را به قتل رسانیدند.»

ایرانی‌ها، در دوران خلافت بنی‌امیه، به دشمنی خود با ملت عراق استمرار بخشیدند. آنان با ایجاد نهضت شعوبیه، بر آن شدند تا با خدشه دار کردن قرآن و سنت، پایه‌های اسلام را سست کنند. در ضمن ایرانی‌ها با خنجر زدن از پشت به زبان عربی که نماد وحدت ملت عرب و باعث افتخار آن‌هاست، به مقابله با اعراب برخاستند. آنان با ارزش‌های گران‌قدر عرب‌ها، یعنی سخاوت، شجاعت و صداقت دشمنی ورزیدند. ایرانیان برای مخالفت با ایجاد یک امپراتوری نیرومند، با همکاری در شورش مختار ثقفی، فتنه الاشعث و طغیان عبدالله بن معاویه، دشمنی سیاسی خود را با عرب‌ها آشکار کردند. عداوت ایرانیان با امپراتوری عرب در دوره خلفای عباسی نیز بی‌گرفته شد. مهم‌ترین جنبش ایرانیان علیه خلفای اموی، فتنه ابو مسلم خراسانی و فتنه سنیاد مجوس بود که هر دو وسیله منصور [خلیفه] منکوب شد. خلفای عباسی، برای اداره امور امپراتوری، سبمی به ایرانیان واگذار کردند. اما با بی‌بردن به خطر ایرانیان، آنان را زیر نظر قرار داده و سرانجام ایرانیان را برکنار کردند. در زمان هارون الرشید،

پیش از آغاز گفتار، ذکر این حقیقت تاریخی لازم است که ایجاد واحدهای سیاسی مستقل به عنوان عراق و سوریه، مولود فروپاشی امپراتوری عثمانی در پایان جنگ جهانی نخست و دخالت و مداخلت بریتانیا و فرانسه بوده است.^{۱۲}

چهره ایرانیان در کتاب‌های درسی عراق

در کتاب‌های درسی عراق، ایرانیان به این صورت به دانش‌آموزان معرفی می‌شوند: ایرانی‌ها از صدر اسلام دشمن ملت [عراق] و اسلام بوده‌اند. عرب‌ها در نبرد قادسیه نخست به رویارویی با ایرانی‌ها برخاسته و مقاصد آن‌ها را نقش بر آب کردند. اما، آن‌ها برای سرنگونی امپراتوری عرب در دوران خلفای اموی و عباسی، توطئه را بهی گزفتند.

درباره جنگ قادسیه نخست در کتاب درس تاریخ مدرسه‌های عراق آمده است:

در پایان جنگ، خون شهدا بر خاک عراق، یعنی سرزمین پان عربیت و فداکاری ریخت. اگر به خاطر این پایداری دلیرانه نبود، هرگز این سرزمین از چنگ ایرانی‌های غاصب، آزاد نمی‌شد.

چکیده کتاب‌های درسی حکومت عراق درباره توطئه ایرانیان بر ضد اسلام و عربیت، پس از پیروزی قطعی در قادسیه، که منجر به آزادی عراق و سرنگونی امپراتوری ایران شد، به این شرح

چندی پیش، کتابی با عنوان روابط عرب-ایران از سوی یک ناشر لبنانی منتشر شد (۱). این کتاب، در برگیرنده مجموعه مقاله‌هایی است که از سوی شرکت کنندگان در همایش روابط عرب‌ها و ایرانیان: روند کنونی و چشم‌انداز آینده، عرضه شده بود. همایش مزبور از سوی مرکز پژوهش‌های اتحاد عرب در سال ۱۹۹۵ میلادی در دانشگاه قطر برگزار شد. در این همایش، نمایندگان از سوی جمهوری اسلامی ایران نیز شرکت داشتند. کتاب روابط عرب-ایران دارای بخش‌های گوناگونی است. آن‌چه در این نوشتار مورد توجه است، به بخشی با نام: چهره ایرانیان در کتاب‌های درسی عرب‌ها، نوشته طلال عترسی مربوط می‌شود.^{۱۳}

عترسی در نوشتار خود، کتاب‌های درسی دوره متوسطه در پنج کشور عربی یعنی عراق، سوریه، مصر، مراکش و عربستان سعودی را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله، تنها به بررسی چهره ایرانیان در کتاب‌های درسی دو کشور عراق و سوریه بسنده شده است. اما، چرا تنها عراق و سوریه؟ زیرا، در جهان به اصطلاح عرب، از حکومت عراق می‌توان به عنوان دشمن کینه‌توز ملت ایران و از حکومت سوریه، به عنوان دوست راهبردی (استراتژیک) جمهوری اسلامی، نام برد.

برمکیان ایرانی علیه خلفای عباسی توطیه کردند. این توطیه هم مانند دیگر فتنه های آنان وسیله اعراب خنثی شد.

در کتاب های درسی حکومت عراق، ایرانیان دشمن تاریخی تمدن اعراب و اسلام معرفی شده اند. در همان حال، این کتاب هابه این نکته اشاره دارند که آنان [ایرانی ها] با دشمنان غیر ایرانی عرب ها، مانند سلجوقیان، مغولان و اروپایی ها، در حمله به اعراب شریک بوده اند.

حکومت عراق، در کتاب های درسی به دانش آموزان می آموزد که دشمنی ایرانیان با عرب و به ویژه در دوران صفویان نیز ادامه پیدا کرد. شاه اسماعیل، دین را بهانه مقاصد توسعه طلبانه خود قرار داد. وی قصد اشغال عراق و دیگر کشورهای همسایه را داشت. اما، با پایداری عراقی ها روبرو شد.

در سال ۱۵۱۵ میلادی [۱۸۹۴ خورشیدی] که پرتغالی ها بر تنگه هرمز مسلط شدند، شاه اسماعیل، برای اشغال بحرین و قطیف، از آن ها درخواست کشتی کرد و برای رسیدن به مقصود با پرتغالی ها، همدست شد. حتی در دوران سلطه ترکان عثمانی بر عراق، توسعه طلبی ایرانیان ادامه داشت. آن ها در سال ۱۶۳۲ میلادی [۱۰۰۱ خورشیدی]، بغداد را اشغال کردند. با وجودی که ایرانیان عهدنامه های زیادی با عثمانی مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی عراق و همسایگان دیگر امضا کردند، اما در عمل به هیچ یک از آن ها پایبند نبودند. در دوران رضا شاه پهلوی، زیاده خواهی ایران در خلیج عربی فزونی گرفت و در سال ۱۹۲۵ میلادی [۱۳۱۴ خورشیدی] وی با یاری انگلستان منطقه اهواز را اشغال کرد و بدین سان، با سرنگون

کردن حکومت اعراب، آن منطقه را ضمیمه ایران نمود.

با وجود ابراز حسن نیت از سوی عراق برای ایجاد روابط دوستانه، محمدرضا شاه پهلوی نیز سیاست تجاوزکارانه پدرش را پی گرفت. در دسامبر ۱۹۷۱ میلادی [آذر ۱۳۵۰ خورشیدی]، ارتش ایران سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را تصرف کرد. محمدرضا شاه برای زدودن هویت عربی خلیج عربی، سیاست مهاجرت ایرانیان به خلیج عربی را در پیش گرفت. در کتاب های درسی حکومت عراق، به ویژه بر روی قادسیه شکوهمند صدام یا قادسیه دوم [منظور جنگ عراق علیه ایران است]، تأکید زیاد می شود.

در کتاب های مزبور از قادسیه دوم به عنوان ادامه قادسیه اول یاد می شود که طی آن عرب ها جوانمردانه از سرزمین و شرف خود دفاع کردند. در حالی که انگیزه ایرانیان تجاوز، طمع و توطئه بود. عراق در برابر فتنه ایرانیان، دفاع از تمامی ملت عرب را به عهده گرفت، در حالی که ایرانیان در پی جاه طلبی و انتقام جویی به خاطر قادسیه اول، دست به این فتنه گری زده بودند.

ایران، به دنبال تبلیغات نادرست، دخالت در امور داخلی عراق، به توپ بستن شهرها، روستاهای مرزی عراق، در ۱۴ دسامبر ۱۹۸۰ [۳۳ شهریور ۱۳۵۹]، به یک رشته حملات که پیش درآمد حمله هوایی به عراق بود، دست زد (۴). اما، ایرانی ها نمی دانستند که وظیفه تاریخی عراق به عنوان پاسدار مرزهای خاوری سرزمین های عربی و هم چنین موقعیت ژئوپلیتیک آن در خلیج عربی، حکم می کند که این کشور از هویت عربی این آب ها، دفاع

فنی رنم هزاران

سند و از جمله

اطمنامه سازمان

ملل، ایران به

هنوان آغازگر جنگ

ویرانگر سئله به

کودکان و نوجوانان

عراقی، معرفی

می شود

کند.

در کتاب های درسی حکومت عراق، به پنج دلیل

زیر به عنوان علل شروع جنگ میان عراق و ایران

اشاره شده است:

۱- ایدئولوژی بعث که مذهب از روح پیام اسلام

و میراث شکوهمند عرب است، برای عقاید

عقب افتاده [امام خمینی (ره)]، تهدیدی جدی به

شمار می آید.

۲- تنفر ایرانیان نسبت به عراق و اعراب که

ریشه در نژادپرستی آنان دارد. این افکار را [امام

خمینی (ره)]، در پشت نقاب مذهب، پنهان کرده

است.

۳- ارتش ایران بر این باور بود که در اثر جنگ

با عراق، می تواند جایگاه و نفوذ پیشین را که در اثر

شرکت جهانگردی و مسافرتی تعطیلات تقدیم می کند

✓ اخذ ویزای ایران برای میهمانان خارجی (افزادی - گروهی)

✓ برگزارکننده تورهای خارجی به کشورهای آسیا - اروپا - آفریقا

✓ تورهای روزانه به کیش - برگزاری کلاسهای آموزشی در کیش

✓ برگزارکننده تورهای داخلی

✓ تشکیل تورهای اختصاصی برای نمایشگاهها و کنفرانسها در ایران و سایر کشورها

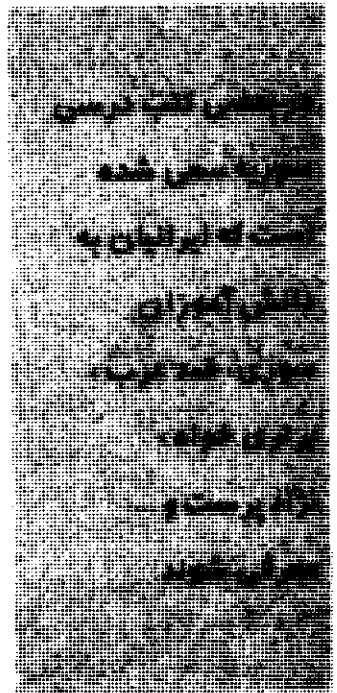


A Reliable Name In Tourism Industry
نامی آشنا و مطمئن در صنعت توریسم

تهران - جهانان تکر علی شریعی - پلاک ۱۱۰۷

تلفن : ۲۷۱۷۱۷۹ - ۲۷۱۰۱۹۱
پست الکترونیکی : Holiday@neda.net





مزبور، تنها به مواردی مانند کوشش های جمال الدین افغانی [اسدآبادی] بر ضد استعمار اروپاییان و کوشش های رضا شاه برای اصلاح اوضاع اقتصادی و سیاسی، اشاره هایی به عمل آمده است.

در کتاب های پیش از دوران یورش عراق به ایران، مسیولیت قتل سه تن از خلفای راشدین، به ایرانیان نسبت داده نشده است. حتی در مورد سرزمین های مورد ادعای اعراب و عراق، گفته شده بود که سرزمین هایی زیر سلطه کشورهای خارجی وجود دارند که در آن سرزمین ها، عرب ها زندگی می کنند....

سیمای ایرانیان

در کتاب های درسی حکومت سوریه

طلال عتريسي، به دنبال پیش درآمدی، جنبه های منفی و مثبت چهره ایرانیان را در کتاب های درسی حکومت سوریه مورد بررسی قرار می دهد. جنبه منفی ایرانیان در قالب اجمل و فعالیت های مسلمانان غیر عرب (موالی)، تجلی می یابد (۵) که برابر امویان، با بنی امیه می گردند. این مخالفت ها، از سوی کافران و زندیقان که بیشتر آنان ایرانی و ملحد بودند و هم چنین شعوبی های نژاد پرست، پی گرفته می شد. در دوران خلافت هارون الرشید، ایرانیان با توانایی هایی که در امر مدیریت و حکمرانی داشتند، کوشیدند تا اعراب را تحت سلطه خود در آورده و تحقیر کنند. این رفتار ایرانیان ادامه یافت تا زمانی که با حمایت بریتانیا، چند جزیره و قسمت هایی از سرزمین های اعراب را اشغال کردند.

نیامده است.

۲- سیاست تجاوزکارانه [امام خمینی (ره)]، دنباله سیاست های شاه است. در حالی که صدام حسین، سیاست رهبران پیشین عرب را پی می گیرد.

۳- مسئول قتل سه تن از خلفای راشدین، یعنی جناب عمر، عثمان و علی (ع)، ایرانیان هستند.

۴- ایرانیان در پی انتقام قادسیه اول هستند.

۵- ایرانیان، همیشه در پی تجاوزند، در این راستا، همواره پیشنهادهای صلح از جانب سران عرب را رد می کنند.

۶- ایرانیان، همواره با ایفای نقش ستون پنجم در پی ایجاد فتنه و آشوبند.

۷- ایرانیان، متجاوزند و می خواهند دیگران را زیر سلطه خود در آورند.

۸- ایرانیان، مخالف عربیت خلیج [فارس] و ملت های عربند.

۹- ایرانیان، مخالف تمدن عربند.

۱۰- ایرانیان، مخالف وحدت مردم عراق و وحدت ملت عرب، زبان عربی و هویت ملی اعرابند.

۱۱- ایرانیان، همواره با نیروهای استعماری علیه اعراب، همکاری می کنند.

۱۲- ملی گرایی ایرانیان، ملی گرایی نژاد پرستانه است. در حالی که ملی گرایی عرب، انسان دوستانه است.

در پایان بخش چهره ایرانیان در کتاب های درسی عراق، طلال عتريسي، مطالب کتاب های مزبور را پیش از جنگ عراق علیه ایران، مورد بررسی قرار می دهد. وی می نویسد: در آن دوره، در کتاب های درسی کشور عراق، خیلی کم به ایران و ایرانیان اشاره می شده است. در کتاب های

آمدن [امام خمینی (ره)]، از دست داده بود، دوباره بازیابد.

۴- رژیم [امام خمینی (ره)]، می خواست از جنگ برای انحراف ذهن ایرانیان از مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بهره گیرد.

۵- صبیونیست ها ایران را تشویق کردند تا به عراق حمله کند، زیرا عراق تهدید بزرگی برای صبیونیسم به شمار می رود.

نویسنده (طلال عتريسي)، مطالبی را که در کتاب های درسی حکومت عراق درباره ایران به شاگردان مدرسه عرضه می شود، به صورت زیر خلاصه می کند:

۱- تاریخ ایران، تکرار گذشته است. بعد از انقلاب (که اشاره به آن در کتاب های درسی عراق به چشم نمی خورد)، هیچ تغییری در ایران به وجود

در کتاب چهارم کشاورزی هر تولید کننده خانگه ویژه ای دارد
www.iraraghi.com info@iraraghi.com

به علت رفتار خشونت آمیز خلفای اموی برای جلوگیری از طغیان مخالفان، ایرانیان از بنی هاشم جانبداری می کردند. همین رفتار امویان، ایرانیان را پس از پذیرش اسلام، همواره به فکر شورش و برانداختن امویان، وا می داشت.

موالی غیر عرب [ایرانیان] که شمارشان پس از فروپاشی امپراتوری ایران، فزونی گرفت، به فکر دوباره سازی امپراتوری بودند. از این روی، از زمان، خلیفه دوم که وسیله یک ایرانی، یعنی ابولؤلؤ کشته شد، در توطئه های گوناگون دست داشتند. امویان که موالی را خطری جدی برای خود می دانستند، مناصب حکومتی به آنان نمی دادند.

در دوران خلفای عباسی، ابو جعفر المنصور، توانست ریشه زندیقان را که از گروهی ملحد تشکیل می شدند و بیشتر آنان ایرانی بودند، بخشکاند. ایرانیان که همواره زیر نفوذ فرهنگ گذشته خود قرار داشتند، به ظاهر اسلام آورده بودند تا هدف نهایی خود یعنی ستیزه جویی با اسلام و عربیت را پنهان سازند. برمکیان در زمان خلافت هارون الرشید، صاحب نفوذ و قدرت شدند. آنان از خاندان برمک بودند که سرپرستی آتشکده بلخ را عهده دار بودند. اما، به زودی با خلیفه به رقابت برخاستند. پس خلیفه به نفوذ آنان پایان داد.

طردفاری موالی به سرکردگی ایرانیان و ... از عباسیان، نه تنها برای رسیدن به برابری با اعراب بلکه برای دستیابی بر حکومت و زنده کردن شکوه از دست رفته گذشته بود. رقابت میان اعراب و ایرانیان، در قالب درگیری میان امین و مأمون، پسران هارون الرشید، نمایان گردید. اعراب از امین که مادرش عرب بود، پشتیبانی کردند در حالی که ایرانیان به هواخواهی مأمون که از مادر ایرانی بود، برخاستند.

اعراب، ناخرسندی خود را از نفوذ فزاینده ایرانیان در قالب شورش های متعدد نشان دادند. از مهم ترین این شورش ها، می توان از طغیان عبدالله بن علی، عموی منصور و سفاک نام برد که مخالف بیعت با منصور بود و مردم را به تبعیت با خود دعوت می کرد. جانبداری فرماندهان سپاه و بسیاری از مردم شام از عبدالله بن علی، نشان دهنده خشم آنان از نفوذ فزاینده ایرانیان بود. شورش های دیگری

از این نوع در شام و عراق به وقوع پیوست ... در کتاب های درسی سوریه، در مورد نهضت شعووبیه نوشته اند: شعووبیه جنبشی بود که در ظاهر برای برابری با اعراب کوشش می کرد ولی در عمل در پی تسخیر و تحقیر اعراب و حتی، در پی تخریب اسلام و تعالیم آن بود. مهم ترین انگیزه این جنبش، تأسف ایرانیان به خاطر از دست رفتن امپراتوری بزرگشان بود که اعراب آن را برانداخته بودند. انگیزه دیگر، سختی های اجتماعی و اقتصادی بود که بر موالی تحمیل شده بود و آنان خلفا را مسئول آن می دانستند. هدف نهضت شعووبیه عبارت بود از:

- ۱- گسترش الحاد با هدف از میان برداشتن اسلام
- ۲- احیای میراث ایرانی و برتری ایرانیان بر اعراب
- ۳- سعی در تحقیر اعراب با نشان دادن نقاط ضعف آنان و قائل شدن تمایز میان اعراب و دین اسلام با تکیه بر این مسأله که دین اسلام برای همه مردم جهان است.

تحلیل تاریخی ارائه شده در کتاب های درسی حکومت سوریه، درباره تسخیر سرزمین های اعراب (سوریه)، شش صفحه را به خود اختصاص می دهد. در این تحلیل به بحث پیرامون شاهان گذشته ایران در دوران جنگ های متوالی با عثمانی پرداخته و سپس مدعی می شود که انگلستان به تقویت روابط با ایران و پشتیبانی از رضاشاه پهلوی- که به دشمنی با اعراب معروف بود- پرداخت تا آن که انقلاب اسلامی سلطنت پسر او- محمدرضا شاه- را برانداخت. در یکی از کتاب های درسی، در فصل تمدن ها، مروری بر تمدن ایران نیز وجود دارد و از جمله در آن جا آمده است که: یکی از ویژگی های تمدن ایران، سازمان اداری آن بود که امپراتوری را به استان ها تقسیم می نمود. از دیگر ویژگی های آن، نظام قضایی و عدل، آیین های مذهبی، ادبیات و معماری بود. مهم ترین صنایع ایران در گذشته، عبارت بودند از پارچه و قالی بافی.

در کتاب های درسی حکومت سوریه همچنین آمده است که آداب و آیین های ایرانیان بر

سرزمین های عرب همسایه آنان تأثیر گذاشته است. چنان که در دوران عباسیان، در مناطق شرقی، برخی جشن های ایرانیان مانند نوروز و مهرگان را برپا می داشتند. مدرسه جندی شاپور [دانشگاه گندی شاپور] که در زمان شاپور اول بنا شده بود تأثیرش بر اعراب در رشته پزشکی آشکار بود. افزون بر اینها، در کتاب های مزبور آمده است که شماری از ایرانی تباران، آثاری از فرهنگ خود را به زبان عربی برگرداندند. هم چنین عرب ها از نظر پوشاک، غذا، جشن ها و علم پزشکی، تحت تأثیر ایران قرار گرفتند.

در این کتاب ها، آمده است که در ایران، یک انقلاب اسلامی ضد صهیونیست به وقوع پیوسته است که از نهضت های آزادی بخش حمایت می کند. شایان توجه است که در کتاب تاریخ معاصر [از کتاب های درسی سوریه]، هیجده صفحه به انقلاب چین، چهارده صفحه به انقلاب ویتنام و تنها دو صفحه به انقلاب اسلامی در ایران، اختصاص یافته است.

پی نوشت ها:

1- Arab- Iranian relations, published by the center for Arab unity studies, edited by Khair-el-Hassan, Beirut 1998

۲- در این نوشتار از مقاله ی سیمای ایرانیان در کتاب های درسی اعراب. طلال عترسی. تلخیص و ترجمه محمدرضا قانون پرور مجله ای ایران شناسی (چاپ آمریکا). سال دوازدهم، بهره گرفته شده است.

۳- برای آگاهی بیشتر به کتب های تاریخ مراجعه فرمایید.

۴- آغاز جنگ روز سی و یکم شهریور ماه ۱۲۵۹ با تهاجم همه جانبه ی عراق به ایران آغاز شد. در حالی که سازمان ملل، عراق را به عنوان آغازگر جنگ می شناسد، حکومت عراق با جعل حقایق تاریخی در پی آن است که به کودکان و نوجوانان عراق، ایران را آغازگر جنگ معرفی کند.

۵- البته می دانیم که مردم سوریه، عرب نژاد نیستند بلکه به زبان عربی گفتگو می کنند و خود در دوران های آغازین اسلام، در رده موالی، طبقه بندی می شدند.